

بیانات در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی

۱۴۰۲/۰۷/۲۵



بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله ربّ العالمين و الصّلاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد و على آله الطّيبين الطّاهرين المعصومين سيّما بقيّة الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید. جدّاً جدّاً خوشحالم از اینکه یک بار دیگر توفیق پیدا کردم با جمعی از نخبگان کشور، این نشست را داشته باشیم. از مطالبی هم که دوستان گفتند تشکر میکنم؛ مطالب مهمی



بیان کردند، نکات قابل توجهی ذکر کردند، منتها دو نکته را در مورد فرمایشات آقایان می‌خواهم بگویم.

یکی اینکه تقریباً همه‌ی این مسائل — حالا شاید یکی دو موردش استثنا باشد — مسائل اجرائی است و مسائل اجرائی را بایستی دستگاه‌های اجرائی دنبال کنند. البته ما [هم] دنبال میکنیم؛ من سفارش میکنم این مطالبی که گفته شد تدوین بشود، احتمالاً خلاصه‌گیری بشود یا یک بررسی‌ای بشود و به آن مسئولین مربوط قوه‌ی مجریه اینها را منتقل میکنیم؛ منتها شما در ملاقاتهایی که با مسئولین اجرائی کشور دارید — خوشبختانه فعالند؛ خوشبختانه ما امروز یک رئیس‌جمهور اهل کار، اهل پیگیری و دنبال‌گیری داریم — اینها را مطرح کنید تا ان شاء الله تحقق پیدا کند. این یک نکته.



KHAMENEI.IR

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

نکته‌ی دوم این است که در یک دوره‌هایی، بین خبگان و بین مسئولین دولتی یک فاصله‌های زیادی وجود داشت، [در حالی که] امروز این جور نیست. امروز عده‌ی زیادی از امثال همین شما جوانها در مدیریتهای قابل توجه دولت حضور دارند، چه در سطح وزارت، چه در سطح معاونت، چه در سطح مدیریتهای میانی؛ خب چرا این حرفها به آنها منتقل نمیشود؟ همان برادرانی که اینجا می‌ایستادند و مثل شما نظراتی را میدادند، امروز در بدنه‌های مدیریتی کشور [حضور دارند]، هنوز هم جوان هستند، سالخورده و میان سال هم نشده‌اند، مثل خود شما جوانند؛ چرا اینها به هم متصل نمیشود، یک زنجیره‌ای به وجود نمی‌آید و این حرفها منتقل نمیشود؟ در دستگاه‌های مختلف کشور، برای این کار فکر کنید. حالا مثلاً بحث خودرو [مطرح شد]؛ الان در وزارت صمت تعداد زیادی جوانهای فعال نخبه حضور دارند؛ بحث خودرو را آنجا مطرح کنید، بحث مهمی هم هست. یا از بحثهای دیگری که اینجا شد، مسئله‌ی مناطق محروم بود. خب دولت یک بخش ویژه‌ای را برای مناطق محروم در نظر گرفته؛ (۲) آنجا عده‌ای جوان هستند؛ حتی به نظرم تعدادی دانشجو که هنوز دانشجو هستند، آنجا فعالند؛ خب مطرح کنید اینها را با آنها، دنبال کنید؛ صرف این نباشد که حالا یک سخنرانی‌ای اینجا انجام بگیرد. البته نظرات، نظرات خیلی خوبی بود و ما ان شاء الله ترتیب اثر میدهیم — من میگویم دنبال کنند اینها را و دنبال میکنیم؛ خود من هم شاید با رئیس‌جمهور محترم در

میان بگذارم بعضی از این مطالب را — لکن به نظرم شماها یک مقداری در این زمینه‌ها عملیاتی‌تر وارد بشوید .

درباره‌ی مسئله‌ی نخبگی و نخبگان و پیشرفت علمی، بنده دو سه نکته را یادداشت کرده‌ام که عرض بکنم. نکته‌ی اول این است که حرکت علمی از حدود دو دهه پیش یا یک خرده بیشتر در کشور شروع شد، شروع خوبی هم داشت؛ یعنی یک حرکتی ایجاد کرد، دو سه شعار در محیط‌های دانشجویی و دانشگاهی مطرح شد [از قبیل] «عبور از مرزهای علمی کشور» و «حرکت نرم‌افزاری» که این چند شعاری که آن روزها آنجا مطرح شد، کاملاً اثر گذاشت؛ یعنی یک تحرک و یک جوششی در محیط‌های دانشگاهی به وجود آمد و خوشبختانه ادامه هم پیدا کرد؛ یعنی یک چیزی که زود بجوشد و خاموش بشود نبود، ادامه پیدا کرد. در واقع، یک حرکت جهشی از لحاظ علمی در کشور شروع شد؛ این یک واقعیتی است. بعد از آنکه مسئله‌ی پیشرفت علمی و حرکت در مرزهای دانش و چند شعار در بین دستگاه‌های دانشگاهی مطرح شد، یک حرکت جهشی واقعاً شروع شد، به طوری که مراکز داوری جهانی در زمینه‌ی مسائل علمی، آن روز گفتند که سرعت رشد علمی کشور سیزده برابر یا دوازده برابر متوسط سرعت رشد جهانی است! خب این مسئله‌ی خیلی مهمی است؛ این اتفاق افتاد. بنده همان وقتها — یعنی چند سال قبل از این — در چند جلسه‌ی علمی و دانشگاهی و مانند اینها یک مطلبی را بیان کردم (۳) و آن، این بود که گفتم این جوری گفته میشود که سرعت رشد [علمی] ما زیاد است، اما به این مغرور نشویم، ما به این غرّه نشویم که حالا سرعت رشدمان این قدر زیاد است؛ برای خاطر اینکه با وجود این سرعت رشد، ما هنوز در دانش عقبیم؛ ما نسبت به دنیای علم، از لحاظ علمی عقبیم. این «عقب بودن» را البته من در مواردی تشریح کردم، دیگر نمیخواهم تکرار کنم یا بگویم. ما عقبیم، علت این عقب بودن هم این است که در یک دوران طولانی‌ای، در زمان حکومت طواغیت و سلاطین ظالم و خودکامه — چه پهلوی‌ها، چه قاجاری‌ها — این کشوری که آن سابقه‌ی علمی و فرهنگی را دارد، در قعر جدول رتبه‌بندی علمی دنیا قرار داشته، هیچ چیز نداشته، هیچ چیز نبوده.

من حالا امروز این را میخواهم بگویم: من میخواهم بگویم که ما برای ورود به یک فصل تازه‌ای از تحرک علمی باید خودمان را آماده کنیم؛ یعنی درست است که جهش علمی انجام گرفته، حرکت علمی خوب بوده، در یک جاهایی رتبه‌های بالای علمی پیدا کرده‌ایم، رتبه‌ی علمی‌مان در دنیا رتبه‌ی نسبتاً خوبی است — اینها هست — اما امروز ما احتیاج داریم به یک حرکت مبتکرانه‌ای از سوی



پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

دستگاه‌های علمی کشور تا عقب نیفتیم. ما حرکت کردیم، اما دیگران هم حرکت کردند؛ حتی عده‌ای از کشورهای منطقه با مشاهده‌ی پیشرفت ایران تشویق شدند به حرکت کردن، در حالی که عقب بودند؛ امروز ما به آمارها که نگاه میکنیم، می‌بینیم اینها خیلی جلو آمده‌اند. بیم آن وجود دارد که ما از مسابقه‌ی علمی دنیا عقب بمانیم؛ جداً این بیم وجود دارد. میدانید و بارها بنده گفته‌ام که «أَلْعِلْمُ سُلْطَانٌ»؛ (۴) علم قدرت است. اگر بخواهیم کشور از آسیب‌های متعارف کشورهای دنیا مصون و برکنار بماند، در درجه‌ی اول، یک کار مهم پیشرفت علمی است؛ اگر عقب ماندیم، آسیب‌پذیر خواهیم شد؛ باید تلاش کنیم عقب نمانیم. این تلاشهایی که می‌گوییم برای عقب نماندن باید بکنیم، اولاً شامل سرمایه‌گذاری مادی است؛ یعنی دولت در زمینه‌ی مسائل علمی و پیشرفت علمی سرمایه‌گذاری کند — که بارها گفته‌ایم این هزینه نیست؛ این سرمایه‌گذاری، در واقع، زمینه‌سازی برای درآمد چندین برابر، درآمد مضاعف و به توان چند است — و همچنین وادار کنیم و زمینه‌سازی کنیم که بخش خصوصی در زمینه‌ی علمی سرمایه‌گذاری کند. پس هم سرمایه‌گذاری مادی لازم است، هم سرمایه‌گذاری از نوع نوآوری‌های علمی؛ یعنی محیط‌های علمی تلاش کنند [برای] ابتکار، نوآوری و جستجوی راه‌های میان‌بر. همّت را باید روی این بگذاریم؛ یک سرمایه‌گذاری دوجانبه‌ای، هم مادی و هم معنوی، لازم است. بنابراین، حرف اول من این است که جامعه‌ی علمی کشور،

نخبگان کشور، امروز احتیاج دارند به یک حرکت جدید، به یک خیز جدید؛ این خیز جدید بایستی با استفاده از همراهی این دولت و همکاری مسئولان جوانی که درون بدنه‌ی دولت حضور دارند و همّت خود شما مجموعه‌ی نخبه‌ها — که حالا نمونه‌ای از آن مجموعه اینجا حضور دارید — انجام بگیرد. این عرض اول ما.

مطلب دوم، نکته‌ی دوم، درباره‌ی فرصت کنونی کشور ما است. بله، یک ملت دارای استعداد میتواند رشد کند، اما این جور نیست که همیشه فرصت رشد داشته باشد. من نمیخواهم نسبت به آینده سوءتفاهمی به وجود بیاید؛ نه، به نظر بنده آینده، آینده‌ی روشن و امیدبخشی است، افق، افق روشنی است؛ اما تجربه‌ها و گذشته‌های خود ما به ما میگوید که بایستی از حال استفاده کنیم، از وضع موجود و از فرصت موجود باید حداکثر استفاده را بکنیم. گاهی پیش می‌آید که در مسیر یک ملت — در هر بخشی؛ بخش سیاسی، بخش اجتماعی، بخش علمی — یک شیب‌های تندی پیدا میشود که اراده‌ی رفتن و صعود از این شیب‌ها وجود دارد، توانش وجود ندارد؛ گاهی این جور است، چون زیرساخت‌هایی باید باشد که نیست، امکاناتی باید باشد که نیست؛ اراده هست، توان نیست. گاهی حتی اراده هم نیست؛ به‌خاطر یأس، به‌خاطر بدبینی به خود، بی‌اعتقادی به توانایی خود یا شناختن موقعیت. بنابراین، گاهی یک مواردی پیش می‌آید که اراده‌ی حرکت هم وجود ندارد. حتی گاهی مثل دوران طاغوت، پیشرفت را یا صعود از این شیب تند را اصلاً ناممکن میدانند! واقعاً در دوره‌های گذشته‌ی ما یک مواردی اتفاق افتاده که میگفتند اصلاً ممکن نیست. آن داستان لوله‌نگ نخست‌وزیر زمان شاه معروف است، (۵) شنیده‌اید. آن وقتی که صحبت صنعت نفت و استقلال نفتی کشور و ملی کردن صنعت نفت شد — قبل از اینکه مصدّق سر کار بیاید؛ مال زمان کودکی بنده است، اما من یادم هست — آن وقت در مجلس شورای [ملّی] آن روز یک اقلیتی بودند با سردمداری دکتر مصدّق، اینها اصرار میکردند که ما بایست صنعت نفت را ملی کنیم؛ نفت ما دست انگلیس‌ها بود، [میگفتند] این را ملی کنیم. نخست‌وزیر آن روز کشور یک سخنرانی کرد و گفت «چه میگویند اینها که میگویند صنعت نفت را ملی کنیم؟ ملت ایران مگر میتواند نفت را اداره کند؟ ما یک لوله‌نگ، درست نمیتوانیم بسازیم.» میدانید لوله‌نگ چیست؟ لوله‌نگ آفتابه‌ی گلی است؛ من دیده بودم؛ آن قدیمها در بعضی از روستاها آفتابه درست میکردند، نه از مس و مثلاً حلبی و مانند اینها که معمول بود، [بلکه] از گل. میگفت «ما در حدّ آفتابه‌ی گلی، در حدّ لوله‌نگ هستیم؛ ایرانی [مگر] میتواند نفت را اداره کند؟» این، آن وقت معروف شد. حالا نفت آن روز چه بود که بنا بود اداره بشود؟ این پالایشگاه آبادان؛ آن چیزی که باید اداره میشد پالایشگاه آبادان بود. میگفتند ایرانی که نمیتواند پالایشگاه اداره کند!

یعنی اعتقاد این بود. خب، پس مواردی این‌جوری پیش می‌آید؛ حالا به آن شدت نه، اما در مراحل گوناگونی اراده ضعیف میشود برای حرکت کردن.



امروز بنده به کشور که نگاه میکنم، به وضع عمومی کشور که نگاه میکنم، بحمدالله میبینم این مشکلات وجود ندارد؛ یعنی هم اراده‌ی حرکت وجود دارد، هم توانایی حرکت وجود دارد. این «توانایی» که من می‌گویم شعار نیست، این واقعیت است. ما چند میلیون — توجه کنید به این آمار! آمار واضح روشنی است — جوان دانش‌آموخته یا در حال دانش‌آموزی داریم، دانشجو داریم؛ چند میلیون! این ثروت چیز کمی است؟ و حالا اگر هم نگوییم همه، بسیاری [از آنها] با انگیزه هستند، روحیه‌ی انقلابی در کشور وجود دارد، رسوخ دارد. همین بیاناتی که این چند جوان عزیز اینجا بیان کردند که «ما آماده هستیم، ما پیشنهاد داریم»، اینها خیلی ارزشمند است. پس هم اراده هست، انگیزه هست، تصمیم هست برای پیشرفت، هم توانایی هست؛ خب از این استفاده کنیم. اگر از این فرصت وجود «خواستن و توانستن» — که امروز هست — استفاده نکنیم، ظلم کرده‌ایم. چه کسی باید از این فرصت استفاده کند؟ هم مسئولین باید استفاده کنند، هم خود نخبه‌ها، هم خود مراکز

علمی باید استفاده کنند؛ اگر نکنیم، ظلم کرده‌ایم؛ به کشورمان ظلم کرده‌ایم، به تاریخمان ظلم کرده‌ایم. همه مسئولیم؛ بنده هم مسئولم، مسئولان دولتی و اجرائی هم مسئولند، شما جوانها هم مسئولید، وزرای محترم دستگاه‌های علمی و مرتبطین مراکز علمی هم که مسئولیت دارند مسئولند. همه باید تلاش کنیم تا این حرکت علمی، این چیز جدیدی که بنده توقع دارم — یعنی یک حرکت مبتکرانه، راه‌های میان‌بر، جهش جدید، خیزش جدید — اتفاق بیفتد. این مسئولیت بر دوش همه‌ی ما هست.

به مناسبت ذکر مسئولیت، نکته‌ی سوّمی را من یادداشت کرده‌ام که عرض بکنم و آن نکته این است که علم مسئولیت‌آور است، مثل همه‌ی دارایی‌های دیگر، مثل همه‌ی ثروتهای دیگر. دارایی مسئولیت‌آور است؛ دارایی فکری، دارایی مالی، دارایی قدرت، اینها همه مسئولیت‌آور است. هر دارایی‌ای که خدای متعال به شما داده، در قبالتش مسئولیتی گماشته و قرار داده؛ علم هم از جمله‌ی همین دارایی‌های ارزشمند است. [شما که] علم دارید، این علم، شما را مسئول میکند. «مسئول میکند» یعنی چه؟ یعنی باید، هم از علمتان به نفع مردم استفاده کنید، هم از اعتباری که این علم به شما داده به نفع مردم استفاده کنید. گاهی یک عالم میتواند از اعتباری که در جامعه دارد، در زمینه‌ای غیر از زمینه‌ی علم خودش و تخصص خودش به سود مردم استفاده کند. این مسئولیت هست. شما اگر در دانش هسته‌ای، دانش پزشکی، فیزیک، مدیریت یا هر دانش دیگری یک رتبه‌ی علمی‌ای به دست آوردید، این طبعاً برای شما در هر دو جهت مسئولیت ایجاد میکند؛ یعنی هم خود آن دانش در خدمت به مردم باید قرار بگیرد و هم آن اعتباری که شما به خاطر این علم پیدا میکنید. این جمله‌ی معروف امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این زمینه، حرف را تمام میکند: «وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَرِّوْا عَلَىٰ كِظَّةٍ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ» (۶) یعنی خدای متعال این تعهد را از علما گرفته، از دانشمندان گرفته که در این زمینه تحمل نکنند «كِظَّةٌ ظَالِمٍ» و «سَعْبٌ مَظْلُومٍ» را؛ نباید تحمل کنند پُرخوری ستمگر و گرسنگی ستم‌دیده را؛ آلا يُقَرِّوْا. باید عکس‌العمل نشان بدهیم، واکنش نشان بدهیم. امروز، در قضیه‌ی غزه، این [وظیفه‌ی] واکنش بر دوش همه‌ی ما وجود دارد؛ باید واکنش نشان بدهیم؛ عده‌ای گرسنه‌اند، عده‌ای زیر بمبارانند، عده‌ای دارند صدا تا صدا به شهادت میرسند. در این جبهه‌بندی‌های متعددی که وجود دارد در سطح جهان، در سطح کشور، عالم —

چه عالم دانشگاه، چه عالم حوزه — باید اولاً تلاش کند حق را بشناسد، حق مشخص بشود، در کنار حق بایستد؛ بی تفاوتی، نگاه کردن بی تفاوت، برای عالم و دانشمند جایز نیست.

نکته‌ی بعدی درباره‌ی این شیوه‌ی عملیاتی رایجی است که چند بار هم بنده درباره‌ی آن صحبت کرده‌ام و آن، مسئله‌ی مقالات علمی است. بنده در این زمینه تا حالا دو سه مرتبه بحث کرده‌ام. (۷) من تصور میکردم تذکراتی که قبلاً داده شده کفایت کرده، یعنی کار را درست کرده، [اما] شنیدم این جور نیست. مقاله‌ی علمی را شرط ارتقاء هیئت علمی قرار دادن، به نظر من هیچ منطقی ندارد؛ یعنی واقعاً انسان نمیتواند این را هضم بکند. بنده در اینکه ما در مسابقه‌ی علمی دنیا باید سهیم باشیم، شریک باشیم، شرکت کنیم، تردیدی ندارم، حتماً این کار باید انجام بگیرد؛ اما اینکه ما همه‌ی اساتید خودمان را و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور خودمان را موظف کنیم که اگر میخواهید ارتقاء پیدا کنید، باید بروید پیش فلان مجله‌ی معروف دنیا یا مرکز علمی دنیا امتحان بدهید — مقاله‌نویسی یعنی این دیگر؛ یعنی مشخص بشود رتبه‌ی علمی شما از نظر فلان مرکز چه رتبه‌ای است — من این را منطقی نمیبینم. بله، مقاله‌نویسی خوب است؛ اینکه تعدادی از اساتید مبرز کشور در رشته‌های خاص خودشان تحقیقات بکنند، مقالات استنادی قابل توجه در مطبوعات معتبر دنیا و مراکز علمی دنیا منتشر کنند، بنده با این کاملاً موافقم، این کار باید انجام بگیرد؛ اما اینکه ما شرط ارتقاء را مقاله قرار بدهیم، یعنی این را تعمیم بدهیم به کل [اساتید]، این به نظر من کار منطقی‌ای نیست. البته مقاله‌های خوب میتوانند شهرت و اعتبار علمی کشور را بالا ببرند؛ این هست. باید راه‌های مناسبی پیدا بشود و دستگاه‌های مدیریت علمی کشور راه‌هایی را [پیدا کنند] برای اینکه این شهرت و اعتبار علمی کشور در رتبه‌بندی‌های جهانی تنزل نکند.

من در مورد مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها بارها عرض کرده‌ام (۸) که هدف مقالات علمی، مقالات پژوهشی و پایان‌نامه‌ها باید کمک به مسائل کشور باشد؛ هدف اصلی این است. فراموش نکنیم این نکته‌ای را که چند لحظه پیش گفتم: حضور در مسابقات علمی جهانی لازم است، اما هدف واقعی این است که ما با این مقالات، با این پژوهش علمی، مشکلی از مشکلات کشور را حل کنیم. همین مسائلی که الان اینجا گفته شد و مطرح شد — مسئله‌ی محیط زیست، مسئله‌ی طب سنتی، مسئله‌ی خودرو



— اینها خب مسائل کشور است و صدها مسئله از این قبیل وجود دارد؛ اگر بخواهیم از طریق علم، با روش علمی و عالمانه این مسائل را حل کنیم، احتیاج به همین مقالات و پژوهشها است؛ پس باید مقالات ما، پایان نامه‌های دانشجویان ما، ناظر به این مشکلات باشد که آنها را حل کند. واقعاً همه‌ی زمینه‌ها، از بهداشت و سلامت، مسکن، امنیت، تا تغذیه، خانواده، محیط زیست، تا اصلاح ساختارهای حکومتی — اصلاح ساختارهای حکومتی! این یکی از موضوعات است — تا ارتباطات بین‌الملل، میدانی است برای کار علمی؛ کارهای علمی، تحقیقات علمی، این جور باشد. ما پابند نباشیم به کارهای روزنامه‌ای — به تعبیر فرنگی «ژورنالیستی» — که یک نفری بردارد در یک روزنامه‌ای یک مقاله‌ای مثلاً درباره‌ی ارتباطات بین‌الملل، درباره‌ی مسائل سیاسی و مانند اینها بنویسد؛ به اینها متکی نباشیم؛ کار علمی درستی انجام بگیرد.

نکته‌ی آخر در این باب، وظیفه‌ی مسئولان است. خب خوشبختانه اینجا آقایان وزرا و معاون محترم رئیس‌جمهور و مسئولان مختلف حضور دارند. آن چیزی که من میتوانم به طور خلاصه در این باب عرض کنم این است: مسئولین باید کاری کنند که نخبه احساس کند مفید است، احساس مفید

بودن بکند. یکی از علل همین مهاجرتها و رفتن‌هایی که حالا مطرح است در دهنها و روزنامه‌ها — و بعضی‌ها هم یک خرده مبالغه‌آمیز حرف میزنند در این زمینه — این است که این نخبه احساس میکند که اینجا کاری ندارد. بنده در تذکرات قبلی گفته‌ام (۹) یک فرد نخبه دو توقع از دستگاه مدیریت کشور دارد: یکی اینکه یک اشتغالی داشته باشد، مشغول باشد، کار کند، دوم اینکه امکان تداوم مطالعات و تحصیلات داشته باشد. یکی از چیزهایی که جاذبه‌ی بیرون رفتن نخبه‌ها است این است که آنجاها امکان تحقیقات و پیشرفته‌ها و مانند اینها وجود دارد؛ این امکان را و اشتغال را اینجا برایشان فراهم نکنیم. من امروز میخواهم بگویم [اگر] توقع نخبه را خلاصه کنیم، میشود اینکه نخبه میخواهد احساس کند که در کشور مفید است.

راه‌هایی وجود دارد برای این کار. حالا امروز خوشبختانه دو سه مرتبه صحبت این شرکتهای دانش‌بنیان شد، من هم همین را یادداشت کرده‌ام؛ یکی از بهترین راه‌هایی که نخبه احساس کند مفید است تشکیل شرکتهای دانش‌بنیان است. شرکتهای دانش‌بنیان، هم پیشرفت اقتصادی به کشور میدهد، هم نشاط در کشور ایجاد میکند، هم پیشرفت علمی به کشور میدهد، هم نخبه‌ها را حفظ میکند و از وجود نخبه‌ها برای کشور استفاده میشود. بنابراین، من تأکید میکنم که شرکتهای دانش‌بنیان را تقویت کنید. و یکی از راه‌های تقویت این است که محصولات این شرکتهای دیگر از خارج وارد نشود. در همین اواخر، چند گزارش شکایت‌آمیز به من شده که شرکت دانش‌بنیان میگوید «ما این محصول را تولید میکنیم، فلان دستگاه اداری که مصرف‌کننده‌ی این محصول است، این را از خارج وارد میکند»؛ چرا؟ باید یاد بگیریم، عادت کنیم — بخصوص دستگاه‌های دولتی که غالباً جزو مشتری‌های مهم این محصولات هستند — که از محصول داخلی استفاده کنیم. این مسئله که این همه تکرار میشود، اولین مخاطبش خود ما هستیم، خود مسئولین هستند، دستگاه‌های دولتی هستند، دستگاه‌های حکومتی هستند؛ اینها بایستی از محصولات داخلی استفاده کنند و در درجه‌ی اول از همین محصولات شرکتهای دانش‌بنیان.

خب، عرایض ما تمام شد. یک مطلب کوتاه، یک کلمه، درباره‌ی قضایای جاری فلسطین و غزه عرض میکنم. در قضیه‌ی فلسطین، آنچه جلوی چشم همه‌ی دنیا است جنایت نسل‌کشی رژیم غاصب

است؛ این را همه‌ی دنیا دارند مشاهده میکنند. مسئولین بعضی از کشورها که با مسئولین کشور ما صحبت کردند، در دفاع از رژیم غاصب صهیونیستی، اعتراضشان این بوده که چرا فلسطینی‌ها غیرنظامی‌ها را کشتند. اولاً این حرف، خلاف واقع است؛ یعنی اصلاً اینهایی که در شهرکها و مانند اینها هستند غیر نظامی نیستند، همه مسلّحند. حالا گیرم غیر نظامی [باشند]؛ چه تعداد غیر نظامی کشته شدند؟ صد برابر آنها را الان این رژیم غاصب از زن و بچه و پیر و جوان غیر نظامی دارد میکشد. داخل این ساختمانهای غزه که نظامی‌ها ساکن نیستند — نظامی‌ها جاهای خودشان هستند، آنها هم میدانند — اینها همین مردمند. مراکز پُر جمعیت را انتخاب میکنند و میزنند. فلسطینی‌ها در غزه، در همین چند روز، چند هزار [نفر] تا حالا کشته داده‌اند! این جنایت جلوی چشم همه‌ی مردم دنیا است. اینها باید محاکمه بشوند؛ دولت غاصب رژیم صهیونیستی امروز قطعاً باید محاکمه بشود؛ آنها باید محاکمه بشوند، دولت آمریکا هم بایستی مسئولیت خودش را در این قضیه بشناسد.

آن طوری که اطلاعات متعدّد به ما میگوید، سیاست جاری این روزها، یعنی همین هفته‌ی اخیر داخل رژیم صهیونیستی را آمریکایی‌ها دارند تنظیم میکنند؛ یعنی سیاست‌گذار، آنها هستند و این کارهایی که دارد انجام میگیرد سیاست آمریکایی‌ها است. آمریکایی‌ها مسئولیت خودشان را مورد توجه قرار بدهند؛ مسئولند. بمبارانها باید فوراً قطع بشود. ملّتهای مسلمان عصبانی‌اند، جداً عصبانی‌اند؛ نشانه‌هایش را شما دارید می‌بینید: اجتماعات گروه‌های مردم، نه فقط در کشورهای اسلامی، [بلکه] در لس‌آنجلس، در هلند، در فرانسه، در کشورهای اروپایی؛ در کشورهای غربی، مردم اجتماعات میکنند — مسلمان و غیر مسلمان — در کشورهای اسلامی هم که روشن است. مردم عصبانی‌اند. اگر چنانچه این جنایت ادامه پیدا کند، مسلمانها بی‌تاب میشوند، نیروهای مقاومت بی‌تاب میشوند، دیگر کسی جلوی اینها را نمیتواند بگیرد؛ این را بدانند. [بعد،] از کسانی توقع نکنند که «نگذارید فلان گروه، فلان کار را بکند»؛ کسی نمیتواند جلوی اینها را بگیرد وقتی بی‌تاب شدند؛ این یک واقعیتی است که وجود دارد. البته رژیم صهیونیستی هر کار هم بکند، جبران شکست مفتضحانه‌ای را که در این قضیه خورد نخواهد توانست بکند. (۱۰) خب، جمله‌ی آخر را شما بیان کردید دیگر؛ ممنون.

والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته